

نظام های مرکب و واسط

در بحث سابق اشاره ای اجمالی به نظام های مرکب (و واسط) داشتیم و - در واقع - زمینه پیدایش آن ها را امکان مقول به تشکیک بودن دو سیستم کلان: حاکمیت امارات قانونی و دلایل آزاد (معنوی) دانستیم، با این همه پی گرفتن این بحث در مجال حاضر، با تفصیل بیشتر مفید می نماید. بدین قرار:

برخی محققان نسبت به «سیستم ترکیبی» احتمالاتی را مطرح کرده اند؛ با این عبارت:

«سیستم ترکیبی، احتمالات متعددی دارد که باید دید کدام یک از این احتمالات صحیح است:

1. وجود هر دو نظام ادله معنوی و ادله قانونی در کنار یکدیگر؛ بدین معنا که قاضی برای صدور حکم، باید اقناع وجدانی داشته باشد؛ و این اقناع فقط باید بر اساس ادله قانونی باشد؛ مثلاً در جرم زنا، اقناع باید از شهادت چهار مرد عادل یا چهار مرتبه اقرار حاصل شود.
2. بر اساس دایره جرم، سیستم مختلف باشد؛ مثلاً در باب حدود، قصاص و دیات، ادله قانونی و در تعزیرات، ادله معنوی یا مثلاً در حدود، ادله قانونی و در بقیه ادله معنوی. این احتمال در صورتی صحیح است که در باب حدود و نیز قصاص و دیات، قاضی نتواند به علم خود عمل کند.
3. یکی از دو نظام کفایت می کند؛ یعنی قاضی یا باید اقناع وجدانی داشته باشد یا این که ادله معتبر قانونی نزد او محقق شده باشند؛ به شرط آن که علم به خلاف شان نداشته باشد. در عین حال نسبت به علم نیز تحدیداتی وجود دارد. از این سه احتمال، احتمال سوم صحیح است؛ بدین معنا که:

1. برای حکم به محکومیت، یکی از دو نظام ادله قانونی یا ادله معنوی کفایت می کند و لازم نیست هر دو باشد؛ یعنی لازم نیست اطمینان قاضی به ارتکاب جرم ناشی از خصوص ادله ای باشد که قبلاً توسط شرع پیش بینی شده است؛ در نتیجه اگر قاضی از پزشکی قانونی، اسلحه شناسی، آزمایش DNA و... علم یابد، حکم صادر می کند. همچنین در صورتی که ادله قانونی وجود داشته باشد، اگر چه قاضی به اطمینان نرسیده باشد، باید بر اساس آن، حکم صادر کند.
2. اسلام در هر دو قسمت ادله قانونی و ادله معنوی، تحدیداتی آورده است...»¹

البته نسبت به مفاد فوق، برخی ملاحظات عبارتی و محتوایی وجود دارد که از ذکر آن ها صرف نظر و توجه ناظر محترم به این متن را از جهت بیان احتمالات گوناگون نسبت به سیستم مورد بحث در آن جلب می کنیم.

به هر صورت، در انتساب سیستمی به شریعت مطهر - با ویژگی های خودش - باید حد ادله را دید.

لزوم پرهیز از تکثیر ناموجه سیستم ها

به عبارت ذیل توجه کنید:

«با توجه به مجموعه قوانین موضوعه در کشور ما، در قلمرو بعضی از جرایم روش دلایل قانونی حاکمیت دارد؛ مانند جرایم موضوع مواد 68، 114، 231، 199، 168، 128 ق.م.ا. [1370]. و در موارد فراوانی نیز روش دلایل معنوی حاکم می باشد؛ مانند جرایم عنوان شده در بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده ق.م.ا.

البته مقنن از روش دلایل علمی نیز غفلت نورزیده است؛ مانند ماده 88 ق.آ.د.ک. [1378] که مقرر میدارد: «برای معاینه اجساد و جراحت ها و آثار و علایم ضرب و صدمه های جسمی و آسیب های روانی و سایر معاینه و آزمایش های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می نماید».²

¹ . همان، ص 115 و 116.

² . همان، ص 105، به نقل از محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج 1، ص 77.

در این متن، روش موسوم به «روش دلایل علمی» قسیم روش دلایل قانونی و معنوی قرار گرفته است؛ قراری که نه مرسوم است و نه موجه. البته از صاحب این متن نقل شده که در توضیح این روش نوشته است:

«این دوره، تحول و تکامل یافته دوره روش دلایل معنوی است. طبق این روش، دادرسی برای تحصیل اقتناع وجدانی خود باید از یافته های جدید علمی بهره گیرد. استفاده از نظرات کارشناسی و بهره مندی از ابزارهای علمی، نمونه ای از کاربرد های علمی در حقوق جزا و دادرسی های کیفری می باشد.»³

قابل توجه این که این توضیح، روش دلایل علمی را ذیل نظام حاکمیت اقتناع وجدان قرار میدهد نه روشی جدید در مقابل آن.

نظام حاکم بر ادله اثبات دعوی کیفری و مدنی در اسلام

أ. دیدگاه ها

با تحقیقی که برخی محققان در اثبات دعوی کیفری انجام داده اند، به سه نظر در این پیوند اشاره کرده اند؛ بدین ترتیب:

حاکمیت نظام ادله معنوی؛

حاکمیت امارات قانونی؛ هر چند فی الجمله چون باب حدود؛

حاکمیت نظام مختلط (بدین معنا که در بخش حدود، قصاص و دیات، نظام ادله قانونی حاکم است - البته نه به معنای افراطی آن که ادله حتی در صورت علم به خلاف، ارزش داشته باشد - و در قسمت تعزیرات و بازدارنده، نظام ادله معنوی حاکم است -).⁴

³ به نقل از احمد حاجی ده آبادی، ادله اثبات کیفری در اسلام، پاورقی ص 106.

⁴ ر.ک: همان، صص 104 - 114.